

پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی

عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

دانشیار دانشگاه الزهرا «س»

تاریخ دریافت: ۸۲/۵/۴

تاریخ پذیرش: ۸۲/۲/۲۰

چکیده

امروزه در کشورهای مختلف جهان، پزشکی قانونی با آزمایشگاه‌هایش نقش مهمی در امور قضایی و دادگستری دارد؛ پزشکی قانونی عملیاتی است که پزشکان متخصص برای کشف و تشخیص جرم و ردیابی متهم و اثبات راست یا دروغ بودن گفته‌های مدعی یا مدعی علیه انجام می‌دهند. در احکام دادرسی و در فقه و حقوق اسلامی برای تشخیص بسیاری از جرم‌ها و نقصها و تعیین میزان خسارات وارد بر اعضای بدن به پزشک متخصص عادل ارجاع داده شده است. پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی چه جایگاهی دارد و سابقه آن در فقه و حقوق و دایره حسبه و طب اسلامی چیست، میزان اعتبار آن از نظر فقها چه اندازه است، راهها و وسایل تشخیص پزشکی قانونی تا چه اندازه حجیت دارد، در کدامیک از مسایل فقه و حقوق اسلامی حل مشکلات و تشخیص موضوعات به پزشکان ارجاع داده شده، آیا در فقه و حقوق اسلامی صدور حکم براساس قرائن و شواهد از ادله شرعی است، و آیا می‌توان از کارهای پزشکی قانونی مانند انگشت نگاری، آزمایش خون و غیره استفاده کرد؟ این مقاله به بررسی سؤالات فوق و در صورت امکان ارائه پاسخ به آنها می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: داد پزشکی، طب شرعی

E-mail: Dr.biazar@Islamic mazaheb.ac.ir

۱- مقدمه

پزشکی قانونی که در فارسی کهن «دادپزشکی» در عربی «طب شرعی» و در غرب Medicine legal گفته می‌شود، عبارت است از عملیاتی که متخصصین برای آزمایش خون و انگشت‌نگاری، بروی نوشته‌ها و لباس اشخاص و نیز سوخته‌ها به منظور شناخت عوامل ذریبط و فشنگ‌ها و اسلحه‌ها برای پی‌بردن به منشأ آنها و حتی آزمایش خاک و سنگ و غیره که ممکن است ردپای متهم را روشن کنند انجام می‌دهند. امروزه در کشورهای مختلف برای پزشکی قانونی آزمایشگاه‌ها و دانشکده‌هایی بنا شده است.

۱-۱- سابقه

در قرآن و حدیث و فقه و حقوق و حسبه و طب اسلامی مواردی از صدور حکم براساس قرائن و شواهد و آزمایش مشاهده می‌کنیم که نشانگر سابقه پزشکی قانونی به‌طور غیررسمی از صدر اسلام است.

۱-۲- پزشکی قانونی در قرآن

۱. فقهای اسلامی از صحنه بررسی پیراهن یوسف (ع) در قرآن و حکم علیه زلیخا: *أَنَّهُ مِنْ كَيْدِ كُنَّ* (این از مکر شما زنان است) و *وَ أَنْتِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ* (تو از خطا کارانی) با مشاهده چاک خوردن آن از پشت، نتیجه گرفته‌اند که: «صدور حکم براساس قرائن و شواهد از ادله شرعی است که می‌توان آن را در انگشت‌نگاری، آزمایش خون و دیگر مواردی که در عصر حاضر مرسوم است، ملاحظه کرد». [۱، ص ۳۱۴].

۲- پزشکی قانونی در حدیث

قرنها پیش از تأسیس مراکز پزشکی قانونی در جهان، امام علی (ع) که به تعبیر پیامبر اکرم (ص) بهترین قاضی صدر اسلام بود (*أَقْضَا كُمْ عَلِيٌّ*) به این‌گونه بررسیها و آزمایشها برای کشف جرایم و اتهامات یا صداقت افراد می‌پرداختند. ما در قضاوت‌های شگفت آن حضرت (ع) نمونه‌های متعددی برای سابقه پزشکی قانونی در اسلام می‌یابیم. به عنوان نمونه:

۱. زنی علاقه‌مند به جوانی از انصار شده بود و هر راهی برای جذب وی به کار برد نتیجه نگرفت. ناچار دست به حيله‌ای زد و بدن و لباس خود را آلوده به سفیده تخم‌مرغ کرد و پیش خلیفه دوم آمد تا با متهم کردن آن جوان وی را وادار به ازدواج با وی کند. عمر می‌خواست وی را کیفر کند. جوان اظهار داشت: این تهمت است و در این باره تحقیق و بررسی کنید. خلیفه دوم به حضرت علی (ع) گفت: نظر شما چیست؟ حضرت علی (ع) دستور دادند آب جوش آوردند و به روی سفیده ریختند و با بررسی و آزمایش متوجه شدند که آن سفیده تخم مرغ است و آنگاه نتیجه آزمایش را به زن عرضه داشتند و آن زن اقرار کرد، [۲]، ص ۲۰۶].

۲. مردی دو کنیز داشت و هر دو با هم از وی حامله شدند. یکی برایش پسر و دیگری برایش دختر آورد. صاحب دختر، نوزاد خود را در گهواره‌ای که نوزاد صاحب پسر بود گذاشت و پسر وی را برداشت و ادعا کرد که این پسر من است. صاحب پسر گفت این پسر من است. هر دو قضاوت پیش امام علی (ع) بردند. حضرت امیر (ع) دستور دادند که شیر هر دو زن را وزن کنند، شیر هر کدام سنگینتر بود، پسر از آن او است [۲]، ص ۲۱۰].

هر چند که فقها این حدیث را اصلی از اصول اثبات و دلیلی در این باب قرار نداده‌اند اما سابقه‌ای است بر وجود پزشکی قانونی در شریعت اسلامی و بنا به گفته صاحب جواهر: «بعضی از فقها به این‌گونه احادیث عمل کرده و بعضی به جهت عدم اطمینان آن را رها کرده‌اند؛ زیرا گفته پزشکان گمان آور است و طریق شرعی نیست» [۳]، صص ۱۶۵-۱۶۴]. از این گفته چنین برمی‌آید که اگر بررسی‌های پزشکی قانونی قطعی و مفید علم باشد، از نظر شرعی معتبر است.

۳- پزشکی قانونی در طب اسلامی

یکی از موارد مهم تشخیص در پزشکی قانونی اظهارنظر دقیق علمی در مورد مرگ‌های مشکوک به انفارکتوس قلبی است، زیرا برخلاف آنچه مشهور است این کار نه تنها آسان نیست، بلکه بسیار سخت و قابل بحث است. [۴]، ص ۷۵].

شخصیت معروفی را در گرگان تشییع می‌کردند. جوانی پیشاپیش در حین گریه و زاری می‌گفت: نمرده؛ به خدا پدرم نمرده است.

ابوعلی سینا که با خدمتکارش در حال فرار از دست فرستادگان سلطان محمود غزنوی شب را در بالای تپه‌ای مشرف بر گورستان بیتوته کرده بود. صدای لاله‌الاله‌الله جمعیت و فریاد آن جوان را شنید و خود را به تشیع کنندگان رساند و از پیرمردی پرسید: چه کسی مرده و از کدام بیماری درگذشته؟ وی جواب داد: مرحوم ابومحمد شیرازی در اثر سکت قلبی وفات یافته است.

ابوعلی سینا گفت: این جوان می‌گوید پدرم نمرده است. من از پزشکی سررشته دارم آیا می‌توانم از جسد معاینه کنم. پیرمرد گفت: معاینه مرده و باز کردن کفن با امام جمعه است. ابوعلی به اتفاق جوان خود را به امام جمعه رساند و درخواست جوان را به وی عرضه داشت و گفت من طبیبم و به قول شما معاینه یک میت برای نجات جان یک انسان گناهی ندارد. سرانجام به ابن‌سینا اجازه معاینه جسد داده شد.

ابن‌سینا پلک چشم او را باز کرد و به مردمک چشم نظر افکند و سپس آستین سفید خود را چند دفعه جلوی چشمان میت حرکت داد و با این معاینات برای او مسلم شد که ابومحمد شیرازی نمرده است. سپس دستور داد تا هر چه زودتر جنازه را به شهر برگردانند. اولین سفارش پزشک به اهل خانواده این بود که گریه و زاری نکنند و سکوت مطلق را رعایت کنند. آنگاه از کیفش گردی که مخلوط فلفل سیاه و سفید و گرد دیگری به نام کندش بود درآورد و با نی کوچکی داخل بینی میت دمید. دقیقه‌ای بعد لرزشی خفیفی در میان جسد ظاهر شد. بوعلی فوراً دستور داد تا دستها و پاهای میت را مالش دهند و سپس ضربات محکمی به کف پاهای میت وارد کرد. آنگاه با نیشتری رگهای واقع در فرو رفتگی آرنج را برید. در این وضع دو قطره خون سیاه و غلیظ از رگها خارج شد. آنگاه دستور داد تا مالش پاهای را شدیدتر کنند. پس از چند لحظه حرکات خفیفی در صورت و عضلات آن شخص ظاهر گردید. در این موقع، بوعلی با کمک امام جمعه، پنج دانه مغز هل را کوبید و در گلاب حل کرد و با حبه‌ای درآمیخت و در دهان میت ریخت. کم‌کم در قفسه سینه میت حرکات خفیفی ظاهر گردید و ضربان نبض و قلب شروع شد. هرچه می‌گذشت حال بیمار رو به بهبودی می‌گذاشت به طوری که بعد از مدتی توانست به اطراف نظر انداخته فرزند و برادر و گماشتگان خود را بشناسد.

ابوعلی پس از سفارشهای لازم خداحافظی کرد. همسر و فرزند ابومحمد شیرازی هیجان‌زده جلو آمدند و کیسه‌ای پر از سکه‌های طلا به استاد تقدیم داشتند، ولی ابوعلی سینا

گفت: ای بانو به شکرانه حیات دوباره همسر خود، این کیسه مسکوک طلا را به مستمندان شهر بدهید. [۵، صص ۸۷-۸۲].

۴- پزشکی قانونی در دایره حسبه اسلامی

یکی از وظایف شرعی اداره حسبه در حکومت اسلامی، این بخش از کار پزشکی قانونی بود؛ چنان که ابن‌اخوه در کتاب خود (*معالم القربه فی آداب الحسبه*) درباره وظایف شربت سازان، عطاران و دامپزشکان، رگزنان، حجامت کنندگان، پزشکان، کحالان و شکسته‌بندان، جراحان مرییان اطفال در بابهای ۲۴، ۲۵، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۶ مطالبی بسیار ارزنده دارد. به عنوان نمونه در مورد حسبه بر فسادان و حجامان می‌نویسد:

«کسی که به عمل فصد (رگ زدن) می‌پردازد باید به دانش و امانت معروف و به تشریح اعضا و رگها و عضلات و شریانها و چگونگی آنها آشنا باشد تا کارد را به رگهای غیر معهود و یا عضله و شریان نزند. زیرا این عمل موجب مرگ انسان می‌شود» [۶، ص ۱۶۶]. یا در مورد حجامت می‌نویسد: «... حجام باید به کار خود آگاه و سبکدست باشد، یعنی بیمار را درد نرساند». او در مورد پزشکان می‌نویسد: «... طبیب باید به چگونگی و ترکیب بدن و مزاج و اعضا و بیماریهای اعضا و علل و نشانه‌ها و داروها آگاه باشد و هر کس چنین نباشد روا نیست که به معالجه بیماران پردازد بخصوص معالجه‌ای که در آن احتمال خطر است که رسول خدا فرمود: «هر که علم طب نداند و طبابت کند ضامن است».

شایسته است که طبیبان هر شهری را پیشوایی باشد، چنان که پادشاهان یونان در هر شهری حکیمی سرشناس می‌گماردند که طبیبان شهر را می‌آموزد و هر کدام را اندک مایه می‌یافت او را از معالجه باز می‌داشت و فرمان می‌داد که دانش خود را تکمیل کند.

اگر بیمار بهبود یابد طبیب مزد خود را می‌گیرد و اگر بمیرد اولیای وی نزد حکیم آیند و نسخه‌هایی را که طبیب نوشته به وی عرضه کنند. اگر با علم حکمت و طب مطابق باشد و طبیب کوتاهی نکرده باشد، گوید اجزش فرا رسیده بود و اگر به خلاف این باشد، گوید دیه مرده را از طبیب بگیرند؛ زیرا وی با نادانی و کوتاهی خود او را کشته است. بدین‌سان در امر طب مراقبت می‌کردند تا کسی که در امر طب دستی ندارد، بدان پردازد و طبیب در وظیفه خود سستی نکند [۶، ص ۱۶۷].

۵- پزشکی قانونی در حقوق اسلامی

همان‌طور که در احادیث و در فقه آمده راههای اثبات دعوا عبارتند از:

۱. علم و یقین قاضی؛

۲. دلایل شرعی (اقرار، شهادت و سوگند).

اعتبار در اصل به معنای علم و یقین است. چنان که قاضی از طرق و وسایل مطمئن امروزی پزشکی قانونی مانند انگشت‌نگاری، آزمایش خون و ادرار، معاینه و سونوگرافی، دوربینی که از گذشته عکس می‌گیرد (اینفرارد) و سایر دستگاههای تشخیص دهنده جرم، در موردی علم و یقین پیدا کند، این علم برای وی بیش از سایر راهها معتبر است و دلایل شرعی دیگر مانند اقرار، شاهد و قسم در مرحله بعد قرار دارند.

در کتب احادیث بابی است در مورد این که قاضی می‌تواند بدون بینه و شاهد به علم خود عمل کند [۲، ص ۲۰۰] و در این باره در *تحریر الوسيله* امام خمینی (ره) می‌خوانیم:

«قاضی می‌تواند به علم خود حکم کند، بدون اینکه نیاز به اقرار و یا قسم داشته باشد، چه در حقوق انسانی و چه در حقوق الهی. بلکه جایز نیست به دلیل مخالف با علم و یقینش یا سوگند کسی که در نظرش دروغگو باشد، حکم صادر کند» [۷، ص ۲۰۹].

همان‌طور که در بحث دیات آمده، در صورت اختلاف مجرم و شاکی در مورد نقص عقل، شنوایی، بینایی، بویایی، و غیره قاضی باید به متخصصان عادل پزشکی قانونی مراجعه کند و از وسایل جدید برای کشف جرم و مقدار آن کمک بگیرد و یا در صورت امکان خود به آزمایش بپردازد.

۶- میزان اعتبار پزشکی قانونی

متخصصین فن پزشکی قانونی اعتراف دارند که همه آزمایشها و پژوهشهای پزشکی قانونی مفید علم قطعی و از بین برنده شک و تردید نیست، بلکه گاهی مانند انگشت‌نگاری در تعیین هویت متهم علم‌آور است، زیرا به تجربه ثابت شده هر انسانی دارای خطوط انگشتان خاصی است به طوری که خطوط انگشتان هیچ کس مثل دیگری نیست و گاهی پزشکی قانونی مفید علم نیست، اما می‌تواند سلسله دلایل قاضی را تأیید یا تضعیف کند، مانند بررسی خط و نگارش یا وجود اثری از آثار متهم در مکان جرم.

میرزای نایینی در تقریرات خود از درس آخوند خراسانی می‌نویسد:

«سزاوار نیست که در رجوع به کارشناسان (و متخصصین) و اعتماد به گفته آنان، اشکال کرد. و برای اعتماد به گفته آنان تعدد متخصصین و عدالت و اسلام آنان شرط نیست؛ همچنان که شهادت و گواهی چنین است؛ زیرا شهادت از حس است، اما کارشناسان گفتارشان از روی حدس و رأی است، ولی آنچه بر آن اتفاق است، اعتماد بر گفته کارشناس در صورتی است که از آن اطمینان حاصل شود» [۸].

بنابراین علم حاصل از پزشکی قانونی حجت است، مگر در نسب‌شناسی که منع شرعی دارد و بحث آن خواهد آمد. اعتبار علم از هر سرچشمه‌ای حاصل شود نیاز به امضای شارع نداریم، زیرا علم به خودی خود حجت است [۳، صص ۱۶۷-۱۶۴].

- استفتاء: در صورتی که ضرورت داشته باشد علت مرگ مقتول برای کشف قاتل مشخص شود آیا می‌توان جسد وی را در پزشکی قانونی تشریح کرد و یا در صورت دفن، آن را نبش قبر و جسدش را بررسی کرد؟

جواب: در صورت ضرورت هر دو مورد جایز است. [۹، ص ۴۵۱].

۷- ابزار و وسایل تشخیص

۱. تشخیص هویت با انگشت‌نگاری: أَيْحَسَبُ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ تُسَوَّى بِنَائِهِ (قیامت، ۴-۳): آیا انسان تصور می‌کند که ما نمی‌توانیم استخوانهای پوسیده‌اش را جمع‌آوری کنیم (و دوباره زنده گردانیم؟) بله ما قادریم که سرانگشتهایش را برابر کنیم. خداوند در پاسخ کسانی که فکر می‌کنند، جمع‌آوری استخوانها و اجزای پوسیده بدن انسان و تجدید حیات دوباره آنها ممکن نیست می‌فرماید: خداوند قادر است بالاتر از آن را دوباره تجدید کند و آن تجدید بنای خط و شیارهای انگشتان است.

عظمت این مثال را کسانی که به علم انگشت‌نگاری و تشخیص هویت آشنایی دارند به خوبی درک می‌کنند؛ زیرا به جز شیارهای انگشتان، سایر اعضای بدن انسان مانند استخوانها، چشم و گوش و بینی ممکن است در اشخاص شبیه هم باشند، اما شیارهای انگشتان در هیچ دو انسانی شبیه دیگری نیست و در سراسر جهان نمی‌توان دو نفر را یافت که دارای اثر انگشت یکسان باشند و از این‌رو امروزه در پزشکی قانونی و پلیس قضایی در تمام دنیا تنها راه برای تشخیص هویت افراد، اثر انگشتان آنها است و تا ۱۲/۵ قرن بعد از نزول قرآن کسی از این ویژگی خبر نداشت. برای اولین بار در سال ۱۸۸۴ میلادی در

انگلستان به این امر پی بردند و از آن برای شناسایی افراد به عنوان انگشت‌نگاری استفاده کردند [۱۰، صص ۲۴-۲۳].

خطوط شیارهای انگشتان در ماه چهارم زندگی جنسی شکل می‌گیرد و تا آخر عمر همچنان باقی می‌ماند و هیچگاه تغییر نمی‌یابد، و حتی اگر به واسطه سوختن یا عارضه دیگری پوست انگشتان کنده شود پوست جدیدی که به جای آن می‌روید به همان صورت نخستین خواهد بود.

۲. **پزشکی قانونی و مرگ مغزی:** یکی از پیچیده‌ترین موضوعاتی که بشر از آغاز تاکنون با آن روبه‌رو و در برابر آن ناتوان بوده، مسأله مرگ است که هنوز هم با آن همه پیشرفتهای پزشکی عنوان «مرگ چیست؟» یکی از سؤالات مهم تمامی کتب پزشکی قانونی است.

اگر مرگ از کار افتادن قلب و یا ایست تنفسی باشد امروزه با دستگاههای پیشرفته قلبی و پیش میکرها و دفیبرلاتور و دستگاه قلب باز و غیره، می‌توان ضربان قلب را به کار انداخت. اگر ۴ تا ۱۰ دقیقه خون و اکسیژن به مغز نرسد اعمال فیزیولوژیک خود را از دست می‌دهد، اما ممکن است در شخص حالت زندگی نباتی بسر ببرد بی آنکه از زندگی اطراف خود چیزی درک کند. در تعریف مرگ آمده است: مرگ عبارت است از عدم فعالیت سلول چه در موجودات تک سلولی و چه در انسان.

از قدیم، پزشکان به تجربه دریافته‌اند که وقتی قلب و تنفس از کار بیفتد چند دقیقه بعد خواهد مرد، مگر این که به موقع قلب به کمک دستگاه به کار انداخته شود. از این‌رو از کار افتادن قلب و ریه و به دنبال آن مغز، ضابطه‌ای اساسی در تعریف مرگ است.

از نظر حالات، شرایطی در زندگی افراد ممکن است پدید آید که تشخیص آن از مرگ تا حدی مشکل است. این موارد شامل ایجاد اختلالاتی در کار سیستم مغزی و نباتی است؛ از جمله سرمازدگی و مصرف مقادیر زیاد مواد مخدر و مسکن برای خودکشی ممکن است با مرگ واقعی اشتباه شود.

۳. **تشخیص جرم با کالبدشکافی:** یکی از گسترده‌های کار پزشکی قانونی، کالبدشکافی برای کشف بعضی از مسایل مشکوک است. در فقه اسلامی چنانچه مادری حامله بیمار و احتمال داده شود که جنینش زنده است او را کالبدشکافی می‌کنند و جنین را بیرون می‌آورند. احتیاط آن است که طرف چپ شکم شکافته شود، در صورتی که فرقی بین آن و مواضع دیگر نباشد وگرنه باید موضعی را که بچه سالمتر بیرون آورده می‌شود بشکافند و طفل را بیرون آورند

و آنگاه شکم مادر را بخیه کرده، او را دفن کنند. البته در این حکم فرق نمی‌کند که به زنده ماندن کودک بعد از خارج شدن از شکم مادر امید داشته یا نداشته باشیم [۷، صص ۸۹-۸۸]. دستور احتیاطی شکافتن طرف چپ شکم در فقه و پزشکی اسلامی به دلیل ذکر آن در صورت مرگ مادر، مختص کالبدشکافی مادران مرده است و شاید حکمت آن این است که بخیه آنها دیگر خوب نخواهد شد و در صورت شکافته شدن پهلوی راست یا به طور افقی، چون مرده را به پهلوی راست می‌خوابانند، خطر ریزش محتویات امعا و احشا خواهد بود. درعین حال، این حکم احتیاطی منوط به هنگامی است که فرقی میان شکافتن طرف چپ و راست و یا طرف پایین شکم نباشد و بنابراین چنانچه متخصصین پزشکی قانونی قسمتهای دیگر را بهتر و مناسبتر از طرف چپ تشخیص دهند باید آن را انتخاب کرد.

۴. **تشخیص جرایم پزشکی:** یکی از وظایف پزشکی قانونی، بررسی و تشخیص جرایم پزشکی و دارویی به ویژه قصور و سهل‌انگاری پزشکان و تخلف از مقررات صاحبان حرفه‌های پزشکی و دارویی است. سابقه این کار در روایت پیامبر اکرم (ص) مذکور است که فرموده‌اند: *مَنْ تَطَبَّبَ وَكَمْ يَعْلَمُ مِنْهُ الطَّبَّ قَبْلَ ذَلِكَ فَهُوَ ضَامِنٌ* [۱۱، ص ۳۶۴]: هر که علم طب نداند و طبابت بکند، ضامن است.

در فقه اسلامی آمده است: «طیب معالج آنچه را تلف کند - در صورتی که از نظر علم یا عمل کوتاهی کرده باشد - ضامن و مسئول است هر چند که با اجازه دست به معالجه زده باشد. همچنین اگر بدون اجازه ولی بیمار یا اجازه خود بیمار - در صورتی که به سن بلوغ رسیده باشد - در معالجه کوتاهی کند، هر چند در کارش متخصص و دانا باشد، ضامن است» [۷، ص ۵۶۲].

۸- نقش پزشکی قانونی در تقریب مذاهب فقهی

امروزه فقها برای تشخیص برخی از موضوعات فقهی نیاز به استفاده از پزشکان متخصص دارند. به نمونه در سالهای اخیر برای تعیین حداکثر دوران بارداری که مورد اختلاف مذاهب فقهی بود و بعضی آن را دو سال و برخی ۴ سال و در فقه عترت آن را ۹ ماه تا یک سال می‌دانند، وزارت دادگستری مصر به پزشکی قانونی مراجعه کرد و پزشکی قانونی نظر اخیر را مورد تأیید قرار داد. بدین ترتیب قانون خانواده مصر را از سال ۱۹۲۹ مطابق مذهب امامیه تغییر دادند [۱۲].

۹- تشخیص و احراز آسیبهای نامحسوس با آزمایشها

یکی از کارهای مهم پزشکی قانونی تشخیص و احراز آسیبهای نامحسوس مانند آسیب نامحسوس به عقل و حافظه و حس شنوایی، بینایی، بویایی و چشایی است که اغلب مورد ادعای مصدوم یا اولیای وی و انکار مجرم است.

در پزشکی قانونی، کارشناسان و پزشکان متخصص به معاینه و آزمایش برای تشخیص و احراز آسیبها می‌پردازند و در صورت محرز شدن آسیب، مقدار آن را تعیین می‌کنند. در فقه اسلامی داوری در این گونه اختلافات به پزشکان متخصص عادل واگذار شده است. به عنوان نمونه چنانچه در مورد از بین رفتن یا نقصان عقل حس شنوایی، بینایی، بویایی و چشایی شخص میان مجرم و ولیّ شخص مورد جنایت اختلاف پیش آید تشخیص آن از نظر فقه اسلامی با پزشکان متخصص است و احتیاط این است که با تشخیص چند طبیب عادل باشد. ممکن است شخص را در حالی که با خود خلوت کرده و در غفلت به سر می‌برد مورد آزمایش قرار داد و در صورتی که زوال یا نقصان عقل توسط متخصص و یا آزمایش تشخیص داده نشد، دلیل گفته متهم است با سوگند [۷، ص ۵۸۸].

۱۰- پزشکی قانونی و تعیین ارش

یکی از وظایف مهم پزشکی قانونی، تعیین ارش یا حکومت است. در هر مورد که مقدار دیه شرعاً تعیین نشده باید ارش یعنی تفاوت صحیح و معیوب اجزا و اعضای بدن با ملاحظه تمام خصوصیات تعیین گردد.

پزشکی قانونی توسط کارشناسان و متخصصین با آزمایشها و بررسی تفاوت عضو صحیح و عضو مصدوم و جنایت دیده، مقدار دیه و جریمه آن را تعیین و مشخص می‌کند. به عنوان نمونه اگر کسی یا مؤسسه‌ای دارویی یا شامپویی برای شستشوی مو به مردم بدهد و استفاده از آن موجب ریزش موی مردان گردد، اولاً تشخیص این که موها قابل رویش است یا نه بستگی به نظر کارشناسان و متخصصین پزشکی قانونی دارد.

اگر پزشکی قانونی تشخیص دهد که موی سر قابل رویش مجدد نیست، در شرع مقرر شده که دیه و جریمه آن یک دیه کامل است و چنانچه برخلاف نظر پزشکی قانونی عمل شود، مقدار دیه اضافی مسترد می‌گردد. چنانچه پزشکی قانونی تشخیص دهد که موی سر یا

صورت مرد قابل رویش مجدد است، پزشکی قانونی ارش یعنی تفاوت بین صحیح و معیوب را تعیین و قاضی حکم می‌کند که ارش تعیین شده توسط پزشکی قانونی پرداخت گردد.

۱۱- مواردی که تعیین ارش بعهدہ پزشکی قانون است

صدماتی که شرع در برابر آن به جای دیه، ارش (تفاوت صحیح و معیوب) مقرر داشته و پزشکی قانونی عهده‌دار تعیین آن است، مانند ارش موی بدن لب، زبان، دندان، گردن، فک، دست، پستان، آلت تناسلی مرد، زن و خنثی، استخوان، نشیمنگاه، نقصان عقل، شنوایی، بینایی و بویایی که تفصیل آن در کتب فقهی آمده است [۷، صص ۵۸۴-۵۸۸].

۱۲- پزشکی قانونی و تعیین انواع جراحات

از دیگر کارهای پزشکی قانونی تعیین انواع جراحات است که برای هر کدام در فقه دیه مخصوص معین شده است. انواع جراحات در فقه اسلامی عبارتند: [۷، ص ۵۹۵].

ردیف	نام جراحات	تعریف	مقدار دیه به طلا
۱	حارصه	خراش پوست بی‌آنکه خون بیاید	۱۰ مثقال
۲	دامیه	خراشی که به مقدار کم وارد گوشت شود و از آن خون بیرون آید	۲۰ مثقال
۳	متلاحمه	جراحی عمیق که وارد گوشت شود ولی به پوشش استخوانی نرسد	۳۰ مثقال
۴	سمحاق	جراحی عمیق که وارد گوشت شود و به پوشش استخوانی برسد	۴۰ مثقال
۵	موضحه	جراحی عمیق که وارد گوشت شود و سفیدی استخوان نمایان گردد	۴۰ مثقال
۶	هاشمه	شکستن استخوان	۱۰۰ مثقال
۷	منقله	جابه‌جا شدن استخوان	۱۵۰ مثقال
۸	مأمومه	زخمی که از استخوان سر بگذرد و وارد دستگاه مغزی شود	۳۳۰ مثقال



۱۳- پزشکی قانونی و تشخیص انواع زخمهای درونی

میزان مجازات	تعریف زخمهای درونی	ردیف
$\frac{1}{3}$ دیه	زخمی که از راه شکم، سینه، پشت یا پهلو و غیره به اندرون وارد شده	۱
مورد تعزیر	ورود چاقو به اندرون زخم بی آنکه برشکاف آن بیفزاید	۲
حکومت	ورود چاقو به اندرون زخم به طوری که بر شکاف آن بیفزاید	۳
$\frac{1}{2}$ دیه شماره ۱	ورود چاقو به اندرون زخم به طوری که سوراخ شود	۴
دو برابر دیه شماره ۱	ورود فشنگ یا وسیله دیگر از یک طرف بدن و خروج آن از طرف دیگر	۵
۱۰۰ دینار	وارد کردن سوزن، درفش و مانند آن به اندرون عضو مانند پا و دست	۶

هر یک از موارد فوق دیه خاصی دارد که ابتدا نوع آن توسط پزشکی قانونی تشخیص و سپس دیه آن توسط قاضی تعیین می‌گردد [۷، ص ۵۹۵].

۱۴- پزشکی قانونی و انواع لطمات وارده بر پوست [۷، ص ۵۹۶].

مقدار خونبها	صورت‌های گوناگون جرم	ردیف
۶ دینار	سیلی به صورت که منجر به سیاه شدن پوست گردد بی آنکه مجروح یا شکسته شود	۱
۳ دینار	سیلی به صورت که منجر به سبز شدن پوست گردد	۲
$\frac{1}{3}$ - ۱ دینار	سیلی به صورت که منجر به سرخ شدن پوست گردد	۳
۳ دینار	سیلی به صورت که منجر به کبود شدن پوست گردد	۴
$\frac{1}{3}$ - ۱ دینار	سیلی به سایر نقاط که منجر به کبود شدن پوست گردد	۵
$\frac{3}{4}$ دینار	سیلی به سایر نقاط که منجر به سبز شدن پوست گردد	۶
$\frac{3}{4}$ دینار	سیلی به سایر نقاط که منجر به سرخ شدن پوست گردد	۷
حکومت	سیلی به سر که منجر به کبود شدن پوست گردد	۸
حکومت	ضربه به پوست که باعث تورم آن گردد بی آنکه رنگش تغییر کند.	۹
حکومت + مقدار معین شده برای رنگ کبود، سبز و سرخ	ضربه به پوست که باعث تورم آن گردد و رنگش تغییر کند	۱۰

۱۵- پزشکی قانونی و سقط جنین

سقط جنین^۱ از نظر لغت به معنای بچه نارس و افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم، و از نظر پزشکی قانونی عبارت است از بیرون آوردن حاصل باروری زن قبل از موعد معین.

۱۶- پزشکی قانونی و تشخیص مراحل سقط جنین

ردیف	نام مرحله	مراحل سقط جنین
۱	ولوج روح	سقط جنینی که روح در آن جریان یافته
۲	کسوت لحم رویش گوشت	سقط جنینی که گوشت روی آن را پوشانده و خلقتش تمام شده، اما هنوز روح در آن دمیده نشده است
۳	عظام	سقط جنینی که گوشت به روی آن نروییده و حالت استخوانی دارد
۴	مضغه	سقط جنین در مرحله مضغه (شبیبه به گوشت جویده شده)
۵	علقه	سقط جنین در مرحله علقه (آویز به دیواره رحم)
۶	نطفه	سقط جنین در مرحله نطفه بعد از استقرار در رحم
۷	چند قلو	سقط جنین در مرحله جنین چند قلو
۸	اعضاء	آسیب رساندن به اعضای جنین یا مجروح کردن آن
۹	به تبع مادر	سقط جنین در اثر کشته شدن مادر

سقط جنین در هر مرحله از مراحل فوق، دیه خاصی دارد که نوع و مرحله آن را پزشکی قانونی مشخص می‌سازد [۷، ص ۵۹۸].

۱۷- مراحل آبستنی بین فقه و پزشکی

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً (نوح، ۱۴): ما شما را در مراحل مختلفی آفریدیم:

مراحل پزشکی	مراحل فقهی جنین
نطفه مرد یا اسپرم در زیر میکروسکوپ از انبوه کرمهای زنده شناوری شبیه به زالو تشکیل شده که پس از مقاربت از مهبل به داخل لوله شیپوری روان می‌شوند و این مسیر را با فعالیت محرکه خود و خاصیت جذب زهدان طی می‌کنند.	۱. نطفه: منی أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي (قیامت، ۳۷): آیا انسان نطفه‌ای از منی نبود که [به سوی رحم] روان بود؟ در این مرحله از نظر فقهی عزل و جلوگیری از آبستنی اشکالی ندارد.

۱. abortion

<p>اسپرمانوزئیدها ۶۰ تا ۷۰ دقیقه بعد از مقاربت، خود را به تخمک زن که داخل لوله است می‌رسانند. اولین اسپرم پوسته را می‌شکافد و وارد تخمک می‌شود و از آمیزش آن دو موجود تازه‌ای به نام «سلول تخم» پدید می‌آید.</p>	<p>۲. انعقاد نطفه: امشاج اَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أَمْشَاجٍ (دهر، ۲): ما انسان را از آب نطفه (مرد و زن) خلق کردیم. بعد از انعقاد نطفه جلوگیری از آبستنی جایز نیست.</p>
<p>پس از چند ساعت، سلول تخم شروع به تقسیم شدن می‌کند که در اصطلاح پزشکی به آن «تقسیم قطعه‌ای» گفته می‌شود. ابتدا به دو سلول و سپس به چهار و در مرحله بعد به هشت سلول تقسیم می‌شود و در همین مراحل، سلول تخم به مسافت خود در لوله شیبوری به طرف زهدان طی چهار روز ادامه می‌دهد [۱۳، ص ۵۰].</p>	<p>۳. استقرار در رحم ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (مؤمنون، ۱۳): سپس آن را در آسایشگاه رحم قرار دادیم. در این مرحله اگر کسی نطفه را سقط کند باید بیست دینار دیه بپردازد.</p>
<p>در حدود بیستمین روز از دوره بیست و هشت روزه سازندگی «سلول تخم» که تکثیر یافته و در حدود صد سلول می‌شود، کره‌ای توخالی تشکیل می‌دهد و معمولاً در جدار داخلی قسمت بالای زهدان لانه‌گزینی می‌کند و همچون زالو به گلوی زهدان می‌چسبد و خون می‌مکد و در کپسول‌های خود خون ذخیره می‌کند.</p>	<p>۴. علقه (خون بسته، کرمی که به گلو می‌چسبد، هرچیز آویخته، زالو). ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً (مؤمنون، ۱۴): سپس از نطفه علقه آفریدیم. در این مرحله سقط جنین چهل دینار دیه دارد.</p>
<p>در ابتدای هفته چهارم جنین وارد مرحله مضغه می‌شود. در علم پزشکی تخم را در نخستین مراحل رشد و تکامل در زهدان «رویان» می‌نامند. در این دوره، اندامهای اساسی روی آن تشکیل می‌شوند. موجود زنده در این دوره فوق‌العاده لطیف و آسیب‌پذیر و بی‌شکل است درست مثل تکه گوشت جویده شده. مرحله مضغه تا هفته ششم ادامه دارد. [۱۴، ص ۸].</p>	<p>۵. مضغه (تکه گوشتی به اندازه یک بار جویدن). فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً (مؤمنون، ۱۴). از نظر فقهی سقط جنین در این مرحله شصت دینار دیه دارد.</p>
<p>از آغاز هفته هفتم، هیكل غضروفی شکل می‌گیرد و در هفته‌های بعد، پیشرفت ساختمان اعضای بدن در استخوانهای دست او آشکار می‌گردد و نقاط تیره نشان می‌دهد که چگونه غضروف تبدیل به استخوان شده است. در انتهای ماه سوم مراکز استخوانی به وسیله سلولهای «مزودرم» تشکیل می‌شود، انگشتهای دست و پا به وسیله سلولهای «مزودرم» شکل می‌گیرد، انگشتهای دست و پا به وجود آمده‌اند و در انتهای آنها ناخن شکل می‌گیرد.</p>	<p>۶. مرحله عظام و استحکام فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا (مؤمنون، ۱۴): سپس مضغه را به حالت غضروفی و استخوانی در آوردیم. از نظر فقهی سقط جنین در این مرحله هشتاد دینار دیه دارد.</p>

<p>در خلال هفته‌های هفتم و ششم همراه با پیدایش استخوانها، گوشت روی استخوانها می‌رود که ابتدا به صورت پوست شفاف است و به تدریج به صورت گوشت رشد می‌کند و از شفافیت آن کاسته شده و به رنگ قرمز در می‌آید تا جایی که در ماه هفتم بر سطح پوست چین و چروک پدیدار می‌شود و در ماه هشتم بر اثر چین و چروک پوست، به انسان پیر شبیه می‌گردد.</p>	<p>۷. مرحله رویش گوشت به روی استخوانها فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا (مؤمنون، ۱۴): و به روی استخوانها گوشت پوشانندیم. از نظر فقهی در این مرحله سقط جنین یکصد دینار دیه دارد، ضمن این که تا این مرحله غسل آن واجب نیست، بلکه آن را در پارچه‌ای می‌پیچند و دفن می‌کنند.</p>
<p>این مرحله از هفته نهم آغاز و تا هفته دوازدهم ادامه می‌یابد [۱۴، ص ۹]. با ورود جنین در ماه چهارم، روح و حیات در آن دمیده می‌شود و با حرکت قلب، اعضا به حرکت در می‌آیند. از نظر پزشکی نیز در ماه چهارم حرکات ملایم و اولیه جنین آغاز و حرکات تنفسی و فعالیت گوارشی شروع می‌شود و مادر، جنبشهای اولیه جنین را به صورت لرزشی بسیار خفیف احساس می‌کند [۱۳، ص ۶۵].</p>	<p>۸. دمیده شدن روح ثُمَّ سَوَّيْهِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ (سجده، ۹): سپس آن را نیکو بیاراست و از روح در آن دمید. وقتی جنین چهار ماهش تمام شد، در صورت سقط، غسل آن واجب و طبق معمول کفن و دفن می‌شود (۷، ص ۶۳) و ضمناً سقط جنین بعد از جریان روح، دیه کامل (۱۰۰۰ دینار) دارد.</p>

۱۸- فاصله مراحل رشد جنینی از نظر روایات

علامه حلی و مرحوم شیخ محدحسن نجفی به استناد روایت امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) و امام کاظم (ع) فاصله هر یک از مراحل رشد جنین را چهل روز دانسته‌اند [۱۵، ص ۳۷۰].

ردیف	آغاز مرحله رشد	پایان مرحله رشد	روز	مقدار دیه
۱	نطقه بعد از انتقال به رحم	تا مرحله علقه	۱-۴۰	۲۰ دینار
۲	علقه	تا مرحله مضغه	۴۰-۸۰	۴۰ دینار
۳	مضغه	تا مرحله استخوان و گوشت	۸۰-۱۲۰	۶۰ دینار
۴	مرحله استخوان و گوشت	تا مرحله دمیده شدن روح عقل	۱۲۰-۱۶۰	دیه کامل (۱۰۰۰ دینار)



۱۹- دیه سقط جنین

ردیف	صورت‌های مختلف جرم	مقدار خون بها
۱	سقط جنین که روح در آن جریان یافته [بعد از چهار ماه]	دیه کامل = ۱۰۰۰ دینار = ۲/۵ کیلوگرم طلا خالص و ۲۹ گرم
۲	سقط جنینی که گوشت روی آن را پوشانده و خلقتش از نظر جسمی تمام شده باشد	۱۰۰۰ دینار = ۳۵۲/۹ گرم طلا
۳	سقط جنینی که گوشت روی آن نرویده و حالت استخوانی و غضروفی دارد.	۸۰ دینار
۴	سقط جنینی در حالت مضغه (تکه گوشتی به اندازه یک بار جویدن)	۶۰ دینار
۵	سقط جنین در مرحله علقه (مرحله تعلق گرفتن به دیواره رحم)	۴۰ دینار
۶	سقط جنین در مرحله نطفه به هنگامی که در رحم استقرار یافته باشد (در مرحله قبل از جایگزینی) یا انعقاد نطفه و اسپرم مرد با تخمک زن (نطفه امشاج)	۲۰ دینار
۷	سقط جنین که دوقلو یا سه قلو یا بیشتر باشد	به همان تعداد تکرار می‌شود
۸	مجروح کردن اعضای جنین	به نسبت دیه آن خواهد بود
۹	سقط جنین در اثر کشته شدن مادر	دیه مادر + دیه جنین

کفاره و دیه کامل بر مجرم واجب نیست، مگر بعد از علم به حیات و جریان روح، ولو با گواهی دو متخصص عادل. تنها حرکت جنین معتبر نیست، مگر اینکه بداند آن حرکت اختیاری است.

۲۰- پزشکی قانونی و تشخیص

در احکام خانواده عیب‌هایی است که کشف آن موجب حق فسخ ازدواج می‌گردد. در بسیاری از موارد که این عیوب ناآشکار و یا مورد اختلاف باشند، تشخیص آنها برای قضاوت صحیح به عهده پزشکی قانونی است. این عیوب عبارتند از:

الف) عیوب مشترک

۱. دیوانه شدن هر یک از عروس و داماد. چنانچه عروس از دیوانگی داماد قبل از ازدواج آگاه نبوده یا داماد پس از ازدواج دیوانه شود و همچنین اگر داماد قبل از عقد از دیوانگی عروس بی‌اطلاع بوده می‌تواند ازدواج را فسخ کند.

ب) عیوب مردانه

۲. خواجه بودن مرد، یعنی تخمهایش کشیده یا کوفته شده باشد.
۳. قطع آلت تناسلی به طوری که قادر به آمیزش جنسی نباشد.
۴. عنن و ناتوانی جنسی.

ج) عیوب زنانه

۵. جذام
۶. پیسی
۷. قرن (گوشت، استخوان یا غده‌ای در دهانه رحم زن که مانع نزدیکی شود)
۸. افضاء (یکی بودن مجرای ادرار و رگل یا راه رگل و مدفوع)
۹. شل بودن آشکار
۱۰. نابینایی هر چند که چشمها باز و به ظاهر سالم باشد.
۱۱. غیر باکره بودن (در صورتی که عروس با شرط یا قید یا توصیف بکارت در ضمن عقد یا قبل از آن با مردی ازدواج کند و مرد ادعای عدم بکارت کند).

۲۱- انساب و پزشکی قانونی

مراد از انساب (نسب‌شناسی) یا قیافه‌شناسی، استناد به علاماتی است که موجب محلق کردن بعضی از مردم به بعض دیگر می‌شود. گرچه مقتضای اصل، جایز بودن آن است، اما از آنجا که موجب شک در نسب و وسیله‌ای برای تهمت می‌گردد از آن نهی شده است [۲، ص ۱۰۸]. بنابراین از راه آزمایش خون و سایر وسایل تشخیص پزشکی قانونی نمی‌توان فرزندی را به مردی ملحق یا نفی کرد، زیرا این آزمایشها قطعی نیست و معیار قاعده الولد للفرش (فرزند متعلق به بستر خانواده است) همچنان حاکم است، مگر اینکه دلیل قطعی خلاف آن را ثابت کند [۱۶، ص ۳۱۸]. امروزه وسیله مدرنی به نام D.N.A کشف شده که با اطمینان بالایی نسبت افراد را تشخیص می‌دهد.

- استفتاء: اگر از طرف قاضی، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه‌ای که در رحم دارد به نزد پزشک قانونی بفرستند و طبیب بتواند تشخیص دهد که نطفه متعلق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی است، در این حال اگر طبیب واقعیت را گزارش دهد، جان زن به خطر می‌افتد و اگر خلاف گزارش دهد بچه ملحق به شوهر این زن می‌شود. چه باید کرد؟

جواب: در این‌گونه موارد، قول طبیب و یقین او برای قاضی حجت نیست و حتی یقین خود قاضی هم که از این طریق حاصل شود حجیت آن محل اشکال است. بنابراین لزومی ندارد که طبیب یقین خود را در این‌گونه موارد بازگو کند و در نتیجه به حسب حکم ظاهری بچه ملحق به شوهر است و این‌گونه احکام ظاهری مشکلی ایجاد نمی‌کند [۹، ص ۴۷۴].

۲۲- پزشکی قانونی و تشخیص خنثی

لازمه فقه زنده و پویا، شناخت صحیح موضوعات احکام است. به عنوان نمونه، خنثی از نظر فقهی و حقوقی دارای انواعی است که برای اجرای احکام مرتبط با هر یک، چون تقسیم ارث و سایر مسایل حقوقی و عبادی و نیز خانواده، فقها و حقوقدانان و قضات باید از علم پزشکی کمک گیرند.

الف) خنثی

۲۲-۱- تعریف خنثی از نظر فقه

از نظر فقهی، خنثی کسی است که هم دارای آلت مردانه باشد و هم زنانه و آن بر سه نوع است:

۱. خنثی متمایل به مرد،
۲. خنثی متمایل به زن،
۳. خنثی مشکل.

برای اینکه معلوم شود که خنثی به کدام نوع متمایل است در فقه علایم و نشانه‌هایی برای آن آمده و مثلاً گفته می‌شود:

۱. چنانچه همواره از پیشابراه مردان ادرار کند مرد است و چنانچه همواره از پیشابراه زنانه ادرار کند زن محسوب می‌شود.
 ۲. اگر از هر دو راه ادرار می‌کند از هر کدام زودتر خارج گردد حکم همان را دارد.
- چنانچه از این علایم و سایر علایم زنانگی و مردانگی، مرد بودن یا زن بود خنثی مشخص نشود، خنثی مشکل محسوب گردد.

ب) ممسوح

ممسوح به کسی گفته می‌شود که نه آلت مردانه دارد و نه زنانه [۱۷، ص ۲۳۷]. اکنون با پیشرفت‌های علمی و ابزاری و وسایل آزمایشگاهی در پزشکی در بسیاری موارد ممکن است راه‌های مطمئن‌تری برای رسیدن فقیه و قاضی به علم و یقین و تشخیص موضوع یافت شود که مسلماً از نظر شرع آن راه برای تشخیص موضوع حکم مقدم است.

۲۲-۲- انواع خنثای مشکل

خنثی مشکل از نظر فقها دارای انواع زیر است:

۱. کسی که در جلوی بدنش نه آلت مردی است و نه آلت زنانگی و تنها تکه گوشتی است که پیشابراه دائمی است.
 ۲. کسی که تنها یک محل خروج دارد که هم ادرار و هم مدفوع از آن خارج می‌شود.
 ۳. کسی که نه در پیش و نه در پشت محل خروج ادرار و مدفوع ندارد، بلکه از طریق دهان فضولات معده را قی می‌کند.^۱
- همه اینها عیوب خلقی در مجاری ادرار و آلت تناسلی است.

۲۲-۳- تعریف خنثی در پزشکی

خنثی در کتب پزشکی شخصی است که دارای اعضای جنسی پیچیده باشد و آن بر سه نوع است که پزشک برای تشخیص نوع خنثی، غده تناسلی وی را مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. اگر دارای غده بیضه باشد و اعضای تناسلی خارج شبیه به عضو زنان، او خنثای مذکر کاذب^۲ است.
۲. اگر دارای غده تخم‌ساز است و اعضای تناسلی ظاهر مردانه، خنثای مؤنث کاذب^۳ است.
۳. اگر دارای تخمدان و تخمک هر دو باشد یا هر دو به صورت گوشت باشد خنثای حقیقی^۱ است.

۱. urogenital sinus cloaca

۲. male pseudo herma phrodite

۳. female pseuderma phrodite

دو جنسی حقیقی و اعتباری به اعضای ظاهری که گاهی شبیه به مرد و گاهی شبیه به زن و گاهی شباهت به هر دو دارد، نیست. البته خنثای حقیقی بسیار نادر است، اما خنثای کاذب در هر ۲۵/۰۰۰ نوزاد یک نفر پیدا می‌شود.

پزشکی قانونی برای شناخت و تشخیص نوع خنثی نیاز به شناخت امور زیر دارد:

۱. شناخت جنس از نظر کروموزمها،

۲. شناخت غده تناسلی،

۳. بررسی اعضای تناسلی،

۴. بررسی عمومی جسم.

برای فهم موضوع خنثی بهتر است به علم جنین‌شناسی باز گردیم تا ببینیم چگونه جنس جنین مشخص می‌شود. در علم جنین‌شناسی از سه سطح، جنس جنین مشخص می‌گردد.

۱. از نظر کروموزومی: ^۲ به هنگام تلقیح منی دانه یا حامل کروموزوم Y می‌شود و یا کروموزوم X تخمی که دائماً حامل کروموزوم X است و در نتیجه نطفه تلقیح شده (نطفه امشاج) یا XY یعنی جنین پسر است یا XX یعنی جنین دختر است و خداوند در قرآن به این منشأ تصریح کرده می‌فرماید: *وَ أَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَىٰ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ* (نجم، ۴۶): و او زوجین، مذکر و مؤنث را از نطفه‌ای به هنگامی که روان بود بیافرید.

نطفه روان بدون تردید همان نطفه مرد است که در لحظه تلقیح مشخص می‌شود.

۲. از نظر غددی: ^۳ این مرحله در هفته ششم و هفتم بعد از لقاح صورت می‌گیرد. سلولهای غده تناسلی در هفته سوم در جنین ظاهر می‌شوند و سپس در هفته پنجم به سوی حده تناسلی مهاجرت می‌کنند. قبل از هفته هفتم، غده تناسلی در جنین سقط شده قابل شناخت نیست و بعد از اتمام هفته ششم مذکر و مؤنث بودن جنین متمایز می‌گردد و این منطبق با روایت پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند:

إِذَا مَرَّ بِالنُّطْفَةِ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا فَصَوَّرَهَا وَ خَلَقَ سَمْعَهَا وَ بَصَرَهَا وَ جِلْدَهَا وَ لَحْمَهَا وَ عِظَامَهَا ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ أَذْكَرٌ أَمْ أُنْثَىٰ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ: وَ قَتَىٰ ٤٢ شب از نطفه

۱. true hermaphrodite

۲. chromosomal Sex

۳. gonadal Sex

۴. genital ridye

گذشت خداوند فرشته‌ای را می‌فرستد و آن را صورت‌سازی می‌کند و گوش و چشم و پوست و گوشت و استخوانش را می‌آفریند. سپس می‌گوید: پروردگارا: دختر یا پسر؟ و پروردگارت آنچه بخواهد مقرر می‌دارد.

۳. از نظر اعضای تناسلی: اعضای تناسلی دارای دو قسمت ظاهری و باطنی هستند. عضو باطنی مؤنث عبارت است از تخمدان، رحم و مهبل، و عضو باطنی مذکر عبارت است از لوله منیبر، لوله‌های اسپرم ساز غده پروستات و غده کوپر. این اعضا تا هفته نهم متمایز نیستند و از هفته نهم به تدریج مشخص می‌شوند تا اینکه در هفته دوازدهم آشکار می‌گردند.

خط نمو اعضای تناسلی بیرون و درون به سوی مؤنث شدن پیش می‌رود، مگر اینکه مقداری از هرمون مردانگی^۱ یافت شود که از انتهای هفته ششم تبدیل به بیضه می‌شود. از این‌رو از بین رفتن بیضه از جنین مذکر یا عدم تشکیل آن منجر به وجود جهاز تناسلی زنانه می‌شود، علی‌رغم اینکه جنس جفت از نظر کروموزمها، مذکر یعنی XY است.

۲۲-۴- انواع خنثی کاذب

۱. خنثایی که اصلش زن و ظاهرش مرد است^۲: این حالت مؤنث است از نظر کروموزمهای جنسی یعنی XX و از نظر غده تناسلی یعنی تخم‌گذار است، ولی نتیجه ترشحات هرمون مردی از غده فوق کلیه یا به کارگیری هرمونها تأثیری به سوی مردانگی دارد، مثل هرمون‌های آنابولیک^۳ و به علت بسته بودن مهبل، ماه ریزش ندارد.

۲. خنثایی که اصلش مرد و ظاهرش زن است^۴: گاهی جنین از نظر کروموزم و غده تناسلی مرد ولی از نظر اندام ظاهری به شکل زن است. علل این امر عبارت است از: الف) حالات زنانگی با وجود بیضه^۵: علت این حالت‌های ارثی، عدم تأثیرپذیری اعضا جنین از هرمون مردانگی (تسترون) است که بیضه جنین ترشح می‌کند. این امر باعث می‌شود که اعضای تناسلی بیرون زنانه پدید آید، بی‌آنکه رحم داشته باشد.

۱ . testester

۲ . female psuede herma phrodite

۳ . anabolic

۴ . male psevdoher mapnrodite

۵ . testicular feminization syndrome



ب) حالات زنانگی به علت فعالیت هرمونی از غده: ^۱ ترشح هرمون زنانگی باعث عدم رشد بیضه در جنین می‌گردد و خانواده می‌پندارد که نوزاد دختر است؛ اما به هنگام بلوغ وضع تغییر می‌کند و نشانه‌های مردی مانند کلفت شدن صدا و رشد موی صورت آشکار می‌شود. این افراد می‌توانند با عمل جراحی به وضع طبیعی برگردند.

ج) حالا زنانگی به علت استفاده مادر از هرمونهای زنانگی به هنگام حمل: چنانچه مادر در سه ماهه اولیه حاملگی از هرمونهای استروژن یا مشتقات آن استفاده کند موجب پایین نیامدن بیضه‌ها و توقف رشد آنها می‌گردد و طفل ظاهراً دختر به نظر می‌رسد [۱۸، صص ۲۹۴-۲۷۹].

با توجه به پیشرفت علم پزشکی و وسایل آزمایشگاهی، امروزه تشخیص موضوع فقهی و حقوقی خنثاها که کدام در واقع مؤنث و کدام مذکر هستند با علم و یقین صورت می‌گیرد و طریقه قدیم یعنی تشخیص مرد یا زن بودن خنثی از راه ادرار، ظنی و غیر علمی است، بلکه گاهی منجر به خطا می‌شود. چه بسا خنثی از نظر غده تناسلی و کروموزمهای جنسی مرد است و پیشابراه وی از زیر بیضه از منفذی مثل فرج است و با قاعده قدما حکم می‌کردند که وی قطعاً زن است و تمامی احکام حقوقی و فقهی زنان بر وی مترتب است، در صورتی که وی در واقع مرد بود، از ارث و سایر حقوق مردان محروم می‌گردید [۱۸، صص ۲۹۴-۲۷۹]. بنابراین با پیشرفتهای وسیعی که در علم پزشکی پدید آمده لزوم استفاده از پزشکی قانونی برای تشخیص موضوعات فقهی و حقوقی بیشتر آشکار می‌شود.

۲۳- نتیجه‌گیری

پزشکی قانونی یا دادپزشکی عملیات و آزمایشهایی است که متخصصین برای کشف جرایم، اتهامات یا صداقت افراد یا احراز آسیبهای پنهان به اجرا در می‌آورند تا قاضی براساس قرائن و شواهد بتواند حکم صادر کند.

۱. صدور حکم علیه زلیخا براساس بررسی پیراهن چاک خورده یوسف (ع)،
۲. بررسی و آزمایشهای مکرر امام علی (ع) برای کشف جرم و اتهام یا صداقت افراد،
۳. آزمایشها و عملیات طبای اسلامی مانند ابوعلی سینا برای اثبات مرگ یا زنده بودن شخص،

۱. ferminzing adrenal tumour

۴. قوانین موجود دایره حسب اسلام،
۵. ارجاع فقه و حقوق اسلامی به پزشکان عادل و متخصص برای تشخیص موضوعات احکام،
نمونه‌هایی از سوابق و مستندات پزشکی قانونی در اسلام است.
آزمایش‌های پزشکی قانونی در هر موردی که علم‌آور باشد، از نظر فقه بیش از سایر راهها معتبر و مقدم بر دلایل شرعی مانند اقرار، شاهد و قسم است.

راهها و وسایل تشخیص در فقه پزشکی قانونی عبارتند از:

۱. تشخیص مرگ با آزمایشهای مربوط،
۲. تشخیص جرم با کالبدشکافی و بررسی لباس و وسایل مربوط،
۳. تشخیص جرایم پزشکی با تحقیق و بررسی،
۴. تشخیص و احراز آسیبهای نامحسوس در مقایسه با عضو سالم،
۵. تشخیص خنثای مشکل با قرائن و آزمایشهای معتبر.

وظایف پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی عبارتند از:

۱. احراز آسیبهای نامحسوس،
۲. تعیین ارش یا تفاوت اعضای صحیح و معیوب،
۳. تعیین انواع جراحات.
۴. تشخیص انواع زخمهای درونی،
۵. تشخیص انواع لطمات وارد بر پوست،
۶. تعیین مراحل سقط جنین برای پرداخت دیه،
۷. تشخیص عیبهای موجب فسح ازدواج،
۸. تشخیص مرد یا زن بودن خنثی.

۲۴- منابع

[۱] غزالی، م. تفسیر موضوعی، ج ۱، ترجمه علی‌اصغر محمدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

- [۲] حرالعاملی، م. *موسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۱۸، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۳۹۱.
- [۳] مغنیه، م. *اصول الاثبات فی الفقه الجعفری*، بیروت، دارالعم للملایین، ۱۹۶۴. اخوان الصفا، رسائل، بیروت، دار صادر، بی تا.
- [۴] بهادری، م. «اتو پسی قلب در مورد مرگهای ناشی از حمله قلبی» مجله پزشکی قانونی، س ۲ (۱۳۷۳)، ش ۶.
- [۵] شفائی، م. ت. *داستانهای پزشکی*، آمل، ناشر نویسنده، ۱۳۷۲.
- [۶] واین خواه، م. ا.، *آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- [۷] خمینی، ر. ا. *تحریر الوسیلة*، ج ۲، نجف اشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰.
- [۸] نایینی، تقریرات، چاپ ۱۳۵۱.
- [۹] مکارم شیرازی، ن. *مجموعه استفتائات جدید*، ج ۱، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۶.
- [۱۰] طباره، ع. ع. *روح الدین الاسلامی*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۶۸. دیاب، ع. و قرقور، ا.، *مع الطب فی القرآن الکریم*، قم، منشورات زاهدی، ۱۳۶۸.
- [۱۱] کلینی، م. *الفروع من الکافی*، ج ۷، بیروت، دار صعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱.
- [۱۲] بدران، ا. ب. *الفقه المقارن للاحوال الشخصية*، بیروت دار النهضة، ۱۳۸۶ هـ. ق.
- [۱۳] دیمارست، ر. ج. *آبستنی، تولد و جلوگیری از آبستنی*، ترجمه اقدس حکیم نژاد، تهران، شرکت سهام کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- [۱۴] *مجلة الاعجاز العلمیه*، ۱۴۲۱، ش ۸.
- [۱۵] نجفی، م. ح. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
- [۱۶] مکارم شیرازی، ن. *انوار الفقاهه*، ج ۲، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۳.
- [۱۷] شهید اول، م. *اللمعه دمشقیة*، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- [۱۸] *مجلة المجمع الفقہی الاسلامی*، رابطه العالم الاسلامی مکه، س ۹ (۱۴۱۹)، ش ۱۱.

